جهان‌نما

چرا لوکاشنکو جنگ اوکراین را نمی‌خواهد؟

ورود به جنگ اوکراین، با توجه به مشکلات سیاسی و نظامی بلاروس به منزله خودکشی سیاسی برای لوکاشنکو خواهد بود

دو سال پیش، زمانی که اعتراض‌ها به نتیجه انتخابات در بلاروس بالا گرفت کرملین با اعزام نیروهای امنیتی و حمایت مالی به کمک الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور این کشور رفت. اکنون که هشت ماه از جنگ روسیه در اوکراین می‌گذرد، رئیس‌جمهور بلاروس از سوی مسکو برای نقش‌آفرینی بیشتر در این کارزار نظامی تحت فشار است. به‌ویژه اینکه، براساس دکترین نظامی مشترک موسوم به «دولت اتحادیه» که روسیه و بلاروس در اواخر ماه نوامبر امضا کردند و در آن ذکر شده که هرگونه اقدام نظامی علیه هر یک از اعضا به معنی تهدید کل اتحادیه است، روسیه اکنون می‌تواند ادعا کند که حمله نیروهای اوکراینی به مناطق خرسون و دونباس در واقع حمله به اتحادیه بوده و بر این اساس از مینسک بخواهد که فعالانه وارد کارزار نظامی شود. نگرانی غرب درباره ورود احتمالی بلاروس به جنگ اوکراین هفته گذشته تقویت شد؛ زمانی که الکساندر لوکاشنکو پس از دیدارش با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در سن پترزبورگ اعلام کرد که مقام‌های نظامی و امنیتی اوکراین، لهستان و پیمان ناتو تلاش کرده‌اند تا پای بلاروس را به این درگیری بکشانند. ناظران معتقدند که گرچه روی سخنان لوکاشنکو به ناتو بود، اما نشان‌دهنده افزایش فشار مسکو به مینسک برای اعزام نیرو به میدان نبرد هم بود.

اما فشارها هر چقدر هم زیاد باشد دولت بلاروس برای ورود مستقیم به جنگ اوکراین محدودیت‌های سیاسی و نظامی قابل توجهی دارد. آرتیوم شریبمن، تحلیلگر سیاسی بلاروسی مستقر در لهستان، به نیویورک تایمز می‌گوید: «گرچه ماهیت دقیق درخواست پوتین از لوکاشنکو هنوز مشخص نیست اما کاملا روشن است که رئیس‌جمهوری بلاروس به‌دلیل خطرات و تبعات سنگین سیاسی در داخل هیچ تمایلی برای پیوستن به این جنگ ندارد. تنها ۱۰درصد از مردم بلاروس از جنگ حمایت می‌کنند؛ در چنین شرایطی ورود مستقیم مینسک به جنگ اوکراین به‌معنای خودکشی سیاسی برای لوکاشنکو خواهد بود. به همین دلیل فکر می‌کنم که رئیس‌جمهوری بلاروس در برابر هرگونه فشاری برای ورود مستقیم به جنگ مقاومت خواهد کرد.»

واقعیت این است که لوکاشنکو همین حالا و حتی بدون حضور مستقیم در جنگ اوکراین نیز با تهدیدهای زیادی که ناشی از این جنگ است دست و پنجه نرم می‌کند؛ ازجمله احتمال بازگشت مخالفان بلاروسی که اکنون در اوکراین علیه روسیه می‌جنگند. گفته شده، هم‌اکنون حدود ۱۵۰۰مخالف لوکاشنکو که آموزش نظامی دیده‌اند در میادین جنگ برای نیروهای اوکراین در حال مبارزه هستند و درصورت اعلام بسیج عمومی برای جنگ در بلاروس، احتمالا برای مبارزه با دولت لوکاشنکو به این کشور بازخواهند گشت.

تردید نسبت به توان نظامی بلاروس

علاوه بر تشدید تحرکات نظامی ارتش بلاروس در نزدیکی مرزهای اوکراین، آنچه غربی‌ها و ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور اوکراین، را شدیدا نگران کرده، اعزام بخشی از نیروهای نظامی روسیه و تسلیحات نظامی این کشور به خاک بلاروس و استقرار آنها در نزدیکی مرز اوکراین بود. لوکاشنکو خود در این‌باره گفته که دو کشور قرار است در روزهای آینده در چارچوب توافق «دولت اتحادیه» مانور نظامی گسترده‌ای را برگزار کنند و هدف از این مانور کاملا دفاعی است. ویکتور خرنین وزیر دفاع بلاروس، نیز با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که تمام فعالیت‌ها و تحرکات نظامی انجام شده با هدف ارائه پاسخ مناسب به هرگونه تهدید احتمالی بوده است. این در حالی است که زلنسکی در نشست گروه هفت با هشدار نسبت به ورود بلاروس به جنگ پیشنهاد کرده که صلح‌بانان سازمان ملل متحد برای جلوگیری از تحریکات احتمالی لوکاشنکو در مناطق مرزی بلاروس و اوکراین مستقر شوند.

اما علاوه بر ملاحظات سیاسی، آنچه بر تردید ناظران برای ورود بلاروس به جنگ اوکراین می‌افزاید توان نظامی نسبتا پایین این کشور است. بلاروس هم‌اکنون ۶۵هزار نیروی نظامی دارد که ۲۰هزار نفر از آنان نیروهای پشتیبانی و کارمند هستند. به‌عبارت دیگر، بلاروس هم‌اکنون ۴۵هزار نیروی نظامی دارد که با توجه به اینکه در زمان صلح تنها بخشی از این نیروها در حال خدمت هستند، آمادگی رزمی‌شان در شرایط مطلوب نیست. کنراد موزیکا تحلیلگر مستقل دفاعی، به نیویورک تایمز می‌گوید: «بلاروس بالاترین سطح مانورهای نظامی خود را از زمان جنگ سرد تاکنون برگزار کرده و تمام قابلیت‌های نظامی خود را آزموده است، به‌گونه‌ای که گویی خود را برای نبرد آماده می‌کند، اما این کشور هم‌اکنون برای اینکه به حداکثر توان نظامی خود برسد لازم است تا حداقل ۲۰هزار نفر را بسیج کند. درصورتی که دولت برای این کار فراخوان بدهد، تا زمانی که بتواند نیروهای جدید را روانه مناطق مرزی کند زمان کافی برای طرف مقابل وجود دارد که بتواند شرایط جدید را مدیریت کند.» ورود احتمالی بلاروس به جنگ اوکراین برای روسیه نیز چندان بی‌دردسر نخواهد بود. باتوجه به نارضایتی‌های گسترده داخلی نسبت به لوکاشنکو و عدم‌حمایت مردم از جنگ، ورود مینسک به جنگ اوکراین به معنی تشدید نارضایتی‌ها و آغاز ناآرامی‌ها در این کشور خواهد بود. در این شرایط، دولت بلاروس احتمالا حمایت سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیشتری را از مسکو طلب خواهد کرد و این مسئله با توجه به اینکه مسکو این روزها سخت به متحدان منطقه‌ای خود نیاز دارد می‌تواند تمرکز ولادیمیر پوتین از جنگ اوکراین را منحرف کند. در چنین شرایطی، احتمالا نتیجه، تنها ماندن لوکاشنکو مقابل مخالفان خواهد بود.

عکس: Getty Images

ژست استقلال بن‌سلمان

ولیعهد جوان سعودی علاقه دارد خود را چهره‌ای قاطع و مستقل از آمریکا نشان دهد، اما ریاض وابستگی گسترده و غیرقابل انکاری در حوزه امنیتی و نظامی به واشنگتن دارد

گزارش

همراهی عربستان با تصمیم اوپک‌پلاس برای کاهش روزانه ۲میلیون بشکه‌ای تولید نفت، موجی از انتقادات ضدسعودی را در آمریکا به راه انداخته که به اعتقاد برخی تحلیلگران، برای ولیعهد جوان در ریاض، دامنه تبلیغاتی خوبی داشته است. سیل انتقادات و حملات لفظی علیه موافقت عربستان با کاهش عرضه نفت، در واقع متوجه محمد بن‌سلمان است که با رؤیای نشستن بر تخت پدر، روزگار می‌گذارند. برای بن‌سلمان که می‌خواهد از خود یک چهره قاطع و مستقل به نمایش بگذارد، انتقادات تند و تیز در واشنگتن، غنیمت است.

در آمریکا سناتورهای بسیاری خواستار قطع کمک‌های واشنگتن به ریاض شده‌اند و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید گفته که بایدن برنامه‌ای برای دیدار با ولیعهد سعودی در نشست آتی سران گروه ۲۰ ندارد. حتی قبل از آن، بایدن برای عربستان خط و نشان کشیده و گفته بود که همراهی سعودی‌ها با اوپک‌پلاس برای کاهش عرضه نفت پیامدهایی خواهد داشت.

تقریبا همه می‌دانند که قدرت رسمی در عربستان در دست سلمان، پادشاه ۸۶ساله، و قدرت اصلی در انحصار بن‌سلمان، ولیعهد ۳۷ساله است. اکنون حملات آمریکایی‌ها علیه ریاض این موقعیت را فراهم کرده تا ولیعهد جوان در لباس جدیدی ظاهر شود که در آن به‌عنوان چهره‌ای غیروابسته به واشنگتن نمایان می‌شود. واکنش‌ها در این سوی میدان و در ریاض حاکی از حمایت‌های داخلی از تصمیم بن‌سلمان در مقابل کاخ سفید است. جنجالی‌ترین واکنش‌ها را «سعود الشعلان»، نوه ملک عبدالعزیز داشته که در حمایت از ولیعهد که پسرعموی اوست، غرب را به جهاد تهدید کرده است. وب‌سایت میدل‌ایست‌آی گزارش داده که شعلان پیام خود را به انگلیسی و فرانسوی منتشر کرده تا مستقیم به گوش غربی‌ها برسد.

تاکنون خود بن‌سلمان به انتقادات تند و تیز مقامات غربی و تهدیدات به قطع حمایت‌ها از سوی آمریکا واکنشی نشان نداده و شاید سکوتش در برابر انتقادات نشانه رضایتش از این وضعیت باشد. اما دیگر مقامات سعودی از تصمیم کاهش عرضه نفت دفاع کرده‌اند. به‌عنوان نمونه «خالد بن‌سلمان»، وزیر دفاع و برادر کوچک‌تر ولیعهد گفته که تصمیم ما در اوپک‌پلاس، بجا بوده است.

باوجود برخی واکنش‌ها در ریاض، اما به‌نظر نمی‌رسد که بن‌سلمان و حکومت سعودی در عمل قادر به استقلال نظامی و امنیتی از واشنگتن باشند و شاید برخی واکنش‌های سعودی‌ها در برابر غرب تنها در حد یک مانور تبلیغاتی مطلوب برای ولیعهدی باشد که این روزها به‌شدت به ارائه یک چهره پرقدرت در بازی‌های سیاسی بین‌المللی نیازمند است.

پیوند عجیب

رابطه عربستان و آمریکا رابطه عجیبی است. هیچ معاهده یا پیمان دفاعی متقابلی میان دو طرف وجود ندارد که واشنگتن را با ریاض پیوند دهد. در عوض، یک پیوند غیررسمی میان دو طرف وجود دارد که تنها بر نفت و امنیت متمرکز است. این همکاری غیررسمی، ۷۰سال پیش با یک قرار شام در یک ناو آمریکایی در کانال سوئز میان فرانکلین دی روزولت و عبدالعزیز بن‌سعود، نخستین پادشاه سعودی آغاز شد. منابع تاریخی ابن‌سعود را یک پادشاه سنتی به دور از قوانین دست‌وپاگیر دیپلماتیک معرفی می‌کنند که برای دیدار با رئیس‌جمهور وقت آمریکا ۸گوسفند را با خود به ناو یواس‌اس کوئینسی برده بود تا همان‌جا قربانی شوند. واشنگتن‌پست در گزارشی می‌نویسد که مذاکرات رهبران آمریکا و عربستان روی این ناو، فقط روی نفت متمرکز نبود. در پایان این ملاقات توافقی به شکل یک پیمان غیررسمی شکل گرفت که براساس آن آمریکا در ازای حمایت سیاسی، دیپلماتیک و آموزش نظامی برای پادشاهی نوپای سعودی، به ذخایر نفت عربستان سعودی دست پیدا می‌کرد.

بعدها، هم واشنگتن و هم ریاض در جنگ سرد و پس از آن تحولات منطقه‌ای، متحدان پروپاقرص بین‌المللی شدند. عربستان سعودی در دهه ۱۹۹۰ به بعد به یکی از خریداران عمده تولیدات نظامی آمریکا تبدیل شد، اما این روابط نزدیک هیچ‌گاه تا به امروز شکل یک پیمان دفاعی متقابل به‌خود نگرفته است. هرچند در همه این سال‌ها سعودی‌ها به ندرت در برابر آمریکا برخلاف جهت رودخانه شنا کرده‌اند. مورد تقریبا استثنای مخالفت سرسخت ریاض و با واشنگتن در تحولات بین‌المللی به تحریم نفتی اعراب علیه اسرائیل در در سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۳ بازمی‌گردد و غیر از آن نمی‌توان سابقه زیادی از استقلال عمل ریاض در برابر واشنگتن را پیدا کرد.

وابستگی در حوزه نظامی

مهم‌ترین اتکای عربستان سعودی به آمریکا در بخش تسلیحاتی و نظامی است. آمریکایی‌ها طی سال‌های گذشته به میزان زیادی تسلیحات نظامی را به همراه تکنسین‌های غربی در اختیار سعودی‌ها قرار داده‌اند، اما این انتقال تسلیحات، با آموزش نیروهای بومی عربستان همراه نبوده است. درصورتی که واشنگتن بخواهد این حمایت‌ها را قطع کند، سیستم‌های نظامی عربستان زمینگیر خواهند شد.

این وابستگی حتی در بخش‌های غیرنظامی مانند نفت و گاز هم دیده می‌شود و بخش مهمی از استخراج نفت در شرکت دولتی آرامکوی عربستان به فناوری شرکت‌های آمریکایی وابسته است. به گزارش پولیتیکو، هزینه استخراج نفت روسیه ۴۶دلار در هر بشکه است، اما با فناوری آمریکا، هزینه استخراج نفت عربستان تنها ۲۲دلار در هر بشکه است. بنابراین نقش فناوری آمریکایی در صنایع نفت عربستان غیرقابل کتمان است و ریاض نمی‌تواند به‌راحتی نقش شرکت‌های آمریکایی در استخراج منابع نفتی خود را نادیده بگیرد.

عربستان طی چندین دهه گذشته بیشتر تسلیحات خود را از آمریکا خریداری کرده و برای این کشور، جایگزینی و تغییر بازار خرید تسلیحاتی به‌راحتی و در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. پولیتیکو در این ارتباط اشاره دارد که برای عربستان جایگزینی دیگر بازارهای تسلیحاتی تنها درصورتی ممکن است که ریاض بخواهد از روسیه یا چین فقط برخی موشک‌های بالستیک یا پهپادها را خریداری کند. شاید حتی مهم‌تر از اتکای عربستان به تسلیحات، اتکای آنها به شرکت‌های آمریکایی برای کمک به ایجاد صنعت دفاعی بومی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشترک باشد. اینگونه سرمایه‌گذاری‌ها از سال ۲۰۱۷ آغاز شد و فناوری‌های حساس آمریکا را به عربستان سعودی منتقل کرده است؛ فناوری‌هایی که به نوشته پولیتیکو تاکنون در اختیار متحدان معدود آمریکا قرار گرفته است. این سرمایه‌گذاری‌های مشترک در صنایع نظامی موضوع کم‌اهمیتی نیست که سعودی‌ها به‌راحتی بخواهند از آن چشم‌پوشی کنند؛ همانطور که کارشناسان پولیتیکو می‌گویند؛ «جابه‌جایی هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی که با فناوری غرب در آسمان عربستان مشغول به‌کارند، با هواپیماهای روسی یا چینی چندین دهه طول می‌کشد.»

اتکای امنیتی

سعودی‌ها از نظر امنیتی، به‌ویژه در چند سال گذشته، وابستگی‌شان را به واشنگتن بیشتر کرده‌اند. فرماندهی مرکزی آمریکا در خاورمیانه موسوم به سنتکام هم‌اکنون مشغول برنامه‌ریزی و احداث سیستم پدافند موشکی برای پوشش دفاعی در آسمان عربستان است. این سیستم پدافند «شن‌های قرمز» نام دارد. واشنگتن ۲۰درصد از هزینه این سیستم را متقبل شده است. این برنامه پدافند موشکی به‌دلیل نگرانی سعودی‌ها از حملات موشکی در منطقه دنبال می‌شود. در گزارش مؤسسه خاورمیانه در واشنگتن گفته شده برنامه‌ریزی‌ها برای تکمیل این پروژه تا پایان سال میلادی جاری خواهد بود و با تکمیل آن وابستگی پدافندی سعودی‌ها به واشنگتن بیش از گذشته می‌شود.

روابط آمریکا و عربستان در گذرزمان

۱۹۳۱	آمریکا «پادشاهی حجاز و نجد» را که سال بعد به عربستان سعودی تغییر نام داد، به رسمیت شناخت.
۱۹۳۳	عربستان سعودی امتیاز اکتشاف نفت را به شرکت نفت استاندارد اویل کالیفرنیا داد. شعبه عربستانی این شرکت بعداً به آرامکو تغییر نام یافت.
۱۹۴۵	فرانکلین دی روزولت، رئیس‌جمهور وقت آمریکا با عبدالعزیز آل‌سعود در ناو یو اس اس کوئینسی در کانال سوئز ملاقات کرد.
۱۹۵۱	عربستان و آمریکا یک توافقنامه کمک دفاعی متقابل امضا کردند که راه را برای فروش تسلیحات آمریکا باز می‌کرد.
۱۹۷۳	عربستان به تحریم نفت اعراب علیه آمریکا و کشورهای حامی تل‌آویو در جریان جنگ ۱۹۷۳اعراب و اسرائیل پیوست.
۱۹۷۹	با چراغ سبز آمریکا، عربستان کمک مالی به مقاومت افغانستان در برابر اشغال شوروی را آغاز کرد.
۱۹۸۰	عربستان ۱۰۰درصد سهام شرکت نفتی آرامکو را از آمریکا خرید.
۱۹۹۱	عربستان میزبان نیروهای آمریکایی در جنگ علیه عراق و در جریان اشغال کویت شد؛ هزاران نظامی آمریکا پس از جنگ در عربستان باقی ماندند.
۱۹۹۶	۱۹سرباز آمریکایی در جریان بمبگذاری در یک پایگاه نظامی در عربستان توسط القاعده کشته شدند.
۲۰۰۳	عربستان با حمله آمریکا به عراق مخالفت کرد.
۲۰۱۱	عربستان نسبت به عدم‌حمایت آمریکا از حسنی مبارک در انقلاب مصر ابراز نگرانی کرد
۲۰۱۵	آمریکا از آغاز حمله نظامی عربستان به یمن حمایت کرد.
۲۰۱۸	عربستان از تصمیم ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران استقبال کرد.
۲۰۱۹	اعضای کنگره آمریکا خواستار توقف فروش سلاح به عربستان به‌دلیل قتل خاشقجی شدند.
۲۰۲۰	عربستان سعودی از اقدامات آمریکا در توافقنامه عادی‌سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی حمایت کرد.
۲۰۲۲	کاخ سفید و کنگره آمریکا از تصمیم عربستان برای کاهش تولید نفت در اوپک پلاس به‌شدت انتقاد کردند.

نقل‌قول

دیمیتری مدودف
معاون شورای امنیت ملی روسیه
به‌نظر می‌رسد اسرائیل در حال آماده شدن برای عرضه تسلیحات به رژیم کی‌یف است؛ اقدامی بسیار بی‌ملاحظه. تحویل سامانه‌های تسلیحاتی پیشرفته به کی‌یف به‌معنای نابودی روابط دوجانبه میان مسکو و تل‌آویو است. اسرائیل به کشوری سلاح می‌دهد که در یونیفرم سربازانش، از علائم نازی‌ها استفاده می‌کند؛ اوکراینی‌ها مدافع نازیسم هستند. اینها خواستار اخراج اقلیت‌ها ازجمله یهودیان هستند. (خبرگزاری آناتولی)

سباستین کورتز
صدراعظم پیشین اتریش
همه به‌درستی خواستار پیروزی اوکراین هستند، اما باخت برای پوتین، گزینه نیست. هم‌اکنون، مهم‌ترین چیز پایان دادن به خونریزی و دستیابی به راه‌حل صلح‌آمیز در میز مذاکره برای جلوگیری از تشدید تنش در قاره اروپاست. در مواجهه با تهدید اتمی، اتحادیه اروپا باید مسیر مذاکره را پیش ببرد. (راشا تودی)

خبر

شورش حزب محافظه‌کار علیه لیز تراس

همزمان با بالا گرفتن بحران سیاسی در انگلیس، ۳عضو حزب محافظه‌کار از لیز تراس، نخست‌وزیر برآمده از این حزب خواستند تا از سمت خود استعفا کند. کریسپین بلانت ازجمله نمایندگانی است که آشکارا با موضع‌گیری علیه لیز تراس گفته که فکر نمی‌کند تراس بتواند از پس بحران اقتصادی فعلی انگلیس بربیاید. به‌گزارش گاردین، همچنین بیش از ۱۰۰نامه عدم‌اعتماد از سوی نمایندگان حزب محافظه‌کار علیه تراس ثبت شده که علنی نشده است. لیز تراس که تنها ۴۰روز از نخست‌وزیری‌اش می‌گذرد جمعه مجبور شد به‌دلیل افزایش انتقادها از عملکرد اقتصادی دولتش، وزیر خزانه‌داری را برکنار کند. طرح مالیاتی دولت تراس با هدف مقابله با افزایش هزینه‌های زندگی و مدیریت کردن قیمت انرژی انتقادهای زیادی را برانگیخت و بازار را به‌شدت متلاطم کرد.

کیوسک

روزنامه فایننشال تایمز [انگلیس]

هشدار درباره «عصر بحرانی» چین

روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز در صفحه نخست خود به تفصیل به سخنرانی شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین در بیستمین کنگره حزب کمونیست پرداخته است. در این گزارش آمده: مرد شماره یک چین همزمان با آغاز سومین دور ریاست‌جمهوری‌اش ضمن برشمردن دستاوردهای حزب حاکم در ۵سال گذشته به عصر بحرانی که کشورش در پیش خواهد داشت، اشاره و تأکید کرده که چین برای حفاظت از حق حاکمیت خود عزم جدی دارد.

پیروزی قاطع عمران‌خان در انتخابات میان‌دوره‌ای

رویداد

حزب «تحریک انصاف» پاکستان به رهبری عمران خان، نخست‌وزیر سابق در انتخابات میان دوره‌ای این کشور پیروز شد. در این انتخابات که رقابت بر سر ۸کرسی مجلس ملی و ۳کرسی مجلس پنجاب بوده، عمران خان توانست ۵کرسی از ۸کرسی مجلس ملی و ۲کرسی از ۳کرسی در پنجاب را به‌دست آورد.

بنابر اعلام کمیسیون انتخابات، حزب خلق پاکستان شریک ائتلافی در دولت فدرال، ۲کرسی و حزب مسلم لیگ نواز پاکستان به رهبری شهباز شریف، نخست‌وزیر کنونی نیز یک کرسی را در انتخابات میان دوره‌ای مجلس ملی به‌دست آورده است. گرچه براساس قوانین پاکستان، عمران خان می‌تواند تنها یکی از کرسی‌های کسب شده را نگه دارد اما این پیروزی از آن جهت اهمیت دارد که موقعیت سیاسی او را به‌عنوان جدی‌ترین رهبر اپوزیسیون در پاکستان بیش از پیش تقویت می‌کند. اسد عمر، دبیر کل حزب تحریک انصاف، در نخستین واکنش نسبت به نتایج انتخابات گفت: «اراده ملت روشن است. آنها با حمایت از ما اعلام کرده‌اند که خواستار برگزاری انتخابات سراسری زودهنگام هستند.» عمران خان از ۶ماه پیش که برکنار شد، خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام شده است. اکنون انتظار می‌رود که پس از اعلام نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای، خان و حزبش با قوت بیشتری خواستار برگزاری انتخابات زودهنگام شوند. نخست‌وزیر پیشین پاکستان دولت مرکزی را به راه‌اندازی راهپیمایی بزرگ تهدید کرده و اصرار دارد این تظاهرات ماه جاری (اکتبر) به سمت اسلام‌آباد هدایت شده و اگر دولت تاریخ برگزاری انتخابات عمومی را اعلام نکند، تجمع صدها هزار نفری هواداران حزب تحریک انصاف در پایتخت تبدیل به یک تحصن خواهد شد.

در رأی اعتماد پارلمان پاکستان که دهم آوریل برگزار شد، دولت عمران خان با ۱۷۴رأی مخالف سقوط کرد. یک روز بعد (۱۱آوریل) شهباز شریف، برادر نواز شریف که ۳ دوره نخست‌وزیر پاکستان بود، در انتخابات پارلمانی با حمایت اکثریت مطلق نمایندگان و ۱۷۴رأی به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. در پی این رای‌گیری تمام نمایندگان حامی عمران خان از مجلس عوام پاکستان استعفا کردند. عمران خان همواره آمریکا را به‌دست داشتن در برکناری خود از قدرت متهم کرده است و تأکید می‌کند که قربانی توطئه خارجی‌ها شده است. به‌گزارش الجزیره، نخست‌وزیر پیشین پاکستان همچنین ارتش و نظامیان را به نقش داشتن در برکناری خود از قدرت متهم می‌کند. این در حالی است که منتقدان عمران خان در دوران نخست‌وزیری همواره او را متهم می‌کردند که با کمک نظامیان توانسته به قدرت برسد، اتهامی که ارتش پاکستان نیز بارها آن را تکذیب کرده بود.

مناقصه عمومی شماره ۱۴۰۱/۰۶۶

شرکت خدمات انفورماتیک (سهامی عام) در نظر دارد تأمین تجهیزات مورد نیاز خود به شرح ذیل را از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.

موضوع مناقصه	مهلت دریافت اسناد و تحویل پاکات پیشنهادی	سپردهٔ شرکت در مناقصه
تامین و تحویل تجهیزات شبکه مطابق مشخصات مندرج در اسناد مناقصه	تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه ۱۴۰۱/۰۸/۰۷	ضمانتنامه بانکی و یا واریز وجه به میزان ۸۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

شرایط اخذ اسناد

از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه در ساعات اداری (۸ الی ۱۶)، به نشانی: تهران، بلوار میرداماد، میدان مادر، خیابان شاه‌نظری، خیابان مددکاران (نظام سابق)، تقاطع خواجوی، پلاک ۶، طبقه همکف، دبیرخانه مناقصات (آقای شجاعی ـ شماره تماس ۲۷۳۷۰) مراجعه نمایند.
جهت اخذ اسناد مناقصه ارائه مدارک ذیل الزامی است :
● معرفی‌نامه معتبر از جانب شرکت مناقصه‌گر
● ارائه گواهینامه معتبر رتبه بندی از سازمان برنامه و بودجه کشور در زمینه تولید و ارائه داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی
محل تحویل پاکات پیشنهادی، آدرس فوق، دبیرخانهٔ مرکزی شرکت خدمات انفورماتیک می‌باشد.

شرکت خدمات انفورماتیک در رد یا قبول پیشنهادات ارائه شده مختار بوده و هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.